

تحلیلی بر دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی با رویکرد عدالت فضایی (مطالعه موردی: شهر یاسوج)

احمد پوراحمد^۱، سعید زنگنه شهرکی^۲، علی صابری^۳

(دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۲ - پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰، نوع مقاله: پژوهشی)

چکیده

رشد شتابان شهرنشینی به خصوص در دهه های اخیر، موجب اهمیت توزیع بهینه خدمات شهری و دسترسی متعادل شهروندان به این خدمات شده است، چراکه نابرابری در برخورداری از خدمات شهری می تواند موجب توسعه نامتوازن شهری و جدایی گزینی طبقاتی محله های آن شود. به همین سبب در راستای تحقق عدالت فضایی در دسترسی همگن شهروندان به خدمات شهری، هدف از پژوهش حاضر تحلیل فضایی نحوه توزیع خدمات آموزشی و بهداشتی-درمانی و سطوح برخورداری از این خدمات در مناطق و نواحی مختلف شهر یاسوج است. پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و کاربردی است و داده های آن به صورت کتابخانه ای و میدانی گردآوری شده است. بدین صورت که پس از تشریح مفاهیم با روش کتابخانه ای، با استفاده از روش تحلیل شبکه در نرم افزار GIS چگونگی توزیع فضایی خدمات آموزشی و بهداشتی-درمانی در سطح مناطق و نواحی شهر یاسوج مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می دهد توزیع فضایی خدمات آموزشی و بهداشتی-درمانی در سطح مناطق و نواحی شهر یاسوج نامتبادل است. براساس نتایج، محله های واقع در ناحیه سه از منطقه یک و ناحیه دو از منطقه سه، کم ترین میزان دسترسی و محله های واقع در ناحیه یک از منطقه یک و همچنین نواحی یک و دو از منطقه دو بهترین میزان دسترسی را به خدمات آموزشی و بهداشتی-درمانی دارند.

واژه های کلیدی: خدمات شهری، دسترسی متعادل، عدالت فضایی، شهر یاسوج، تحلیل شبکه.

۱. استاد، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(apoura@ut.ac.ir) نویسنده مسئول

۲. دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. کارشناسی ارشد، جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

An analysis of access to educational and health services with a spatial justice approach (case study: Yasouj city)

Ahmad Pourahmad*, Saeed zanganeh Shahraki, Ali Saberi

1. Professor. Department of Geography and Urban Planning, Geography Faculty, Tehran University, Tehran, Iran
2. Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, Geography Faculty, Tehran University, Tehran, Iran
3. Master of Geography and Urban Planning, Geography Faculty, Tehran University, Tehran, Iran

Abstract

Since unequal access to urban services can result in an unbalanced development of the city and the racial segregation of its neighborhoods, the rapid growth of urbanization, particularly in recent decades, has elevated the significance of the optimal distribution of urban services and the equitable access of citizens to such services. This study aims to conduct a spatial analysis of the distribution of educational and healthcare services as well as the levels of satisfaction with these services in the four regions of Yasouj city and its suburbs to achieve spatial justice in the homogeneous access of citizens to urban services. The required data for the current study were collected from the library and the field methods and is a descriptive-analytical and applied research. After introducing the ideas using the library approach, the geographical distribution of educational and medical services was examined at the level of the four districts of Yasouj city using the network analysis technique in GIS software. The findings indicate an uneven geographical distribution of healthcare and educational services at the level of Yasouj city. According to the findings, communities in District 1 of Region 1 and District 1 and 2 of Region 2 have the maximum access to educational and healthcare services, while neighborhoods in District 3 of region 1 and District 2 of region 3 have the minimum degree of access.

Keywords: urban services, balanced access, spatial justice, Yasouj city, network analysis

مقدمه

شهرنشینی پدیده‌ای جهانی است که به‌طور فزاینده‌ای در قرن اخیر گسترش یافته و از چالش‌های اساسی برنامه‌ریزان قرن بیست و یکم است. یکی از مسائل مهم شهرنشینی، نحوه توزیع کاربری‌های شهری است، چراکه توزیع نامناسب کاربری‌ها و خدمات شهری نه تنها می‌تواند سبب برهم زدن جمعیت و عدم توازن آن در شهر شود، بلکه فضاهای شهری را متناقض با عدالت از ابعاد اجتماعی و اقتصادی شکل می‌دهد (کنعانپور و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۶۳۸). امروزه با گسترش شهرنشینی، مقوله خدمات شهری و کیفیت آن مدنظر متخصصان، برنامه‌ریزان و شهروندان است؛ از این رو اساساً طرح مباحث خدمات شهری با توسعه شهرنشینی همراه است (عبداللهی و قاسمی، ۱۳۹۷، ص ۶۹۶). امروزه شهرها در اثر ساختارهای سیاسی، اقتصادی و سیاست‌های فضایی ناکارآمد با چرخه نامطلوبی از نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی و زیست‌محیطی در توزیع خدمات روبه‌رو شده‌اند. چالش‌های بی‌سابقه همچون فقر، اسکان غیررسمی، نزول کیفیت زندگی، شکاف‌های درآمدی، ازهم‌گسیختگی‌های اجتماعی و بی‌عدالتی در توزیع خدمات شهری در شهرها شکل گرفته است که سلامتی و رفاه جامعه شهری را به خطر انداخته و دوگانگی و عدم تعادل در فضای شهری را در پی داشته است (عزیزی دانالو و مجتبی‌زاده خانقاهی، ۱۳۹۹، ص ۷۶).

خدمات عمومی شهری ساختاردهنده شکل و ماهیت کالبدی، اجتماعی و فضایی شهر است؛ لذا بی‌عدالتی در نحوه توزیع آن، بر ساختار، ماهیت شهر و جدایی‌گزینی طبقاتی مناطق شهر تأثیر جبران‌ناپذیری می‌گذارد و مدیریت شهری را با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌کند (امانپور و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۴۹۶). به همین دلیل نیاز است با بررسی میزان نابرابری‌ها در توزیع خدمات و شناسایی الگوی فضایی بی‌عدالتی در سطح شهر پی‌برد که چه خدماتی وضعیت مناسب‌تری دارد و بی‌عدالتی‌ها بیشتر در کدام نواحی شهر تمرکز ملموس دارد، تا از این طریق، مدیریت شهری با عملکرد آگاهانه در توزیع فضایی خدمات و منافع اجتماعی، نابرابری فضایی را کاهش و کیفیت زندگی شهروندان را ارتقا دهد (اسماعیل‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۴۲). این مسئله نشان‌دهنده اهمیت مکان‌یابی و توزیع متعادل خدمات شهری است. به همین دلیل انتخاب مکان مناسب برای یک فعالیت در سطح کشور، یکی از گام‌های اساسی برای انجام یک طرح گسترده است که نیازمند تحقیق در مکان از دیدگاه‌های مختلف است. به همین دلیل برنامه‌ریزان شهری و ناحیه‌ای

وظیفه دارند، با توجه به نقش و کارکرد شهر، اقتصاد شهر و همچنین تأثیر عوامل متقابل کاربری‌ها بر یکدیگر به تخصیص زمین به این کاربری‌ها اقدام کنند (حاجی مرادی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۱۴۳). در توسعه فضایی یکی از عوامل مهم مدنظر، توسعه بخش‌های بهداشت و درمان و آموزش به صورت متعادل در همه سطوح فضایی است. بخش بهداشت و درمان به عنوان یکی از بخش‌های مهم اجتماعی کشور، نقش تعیین کننده‌ای در سلامت و تندرستی افراد جامعه دارد. بنابراین دسترسی مطلوب به خدمات و امکانات درمانی و سلامت انسان، یکی از پیش نیازهای اساسی برای تحقق توسعه پایدار انسانی به شمار می‌رود. از این رو توسعه پایدار بر لزوم ارتقای سیستم بهداشت و درمان و تأمین سلامت پایدار برای مردم تأکید دارد (صالح پور و افراخته، ۱۳۹۵، ص ۲۰). مراکز آموزشی نیز به عنوان یکی از خدمات شهری سعی در توسعه فرهنگی، ارتقای منزلت اجتماعی مردم و در نهایت دستیابی به توسعه پایدار انسانی دارند. این خدمات از خدمات شهری بسیار مهم تلقی می‌شوند که دسترسی مناسب شهروندان به آن‌ها می‌تواند نقشی اساسی در روند توسعه پایدار شهری، کاهش آلودگی‌های زیست محیطی و افزایش کیفیت زندگی داشته باشد. علی‌رغم این نگرش، امروزه پس از گذشت سال‌ها برنامه‌ریزی، شاهد ضعف‌هایی در ارائه خدمات مختلف، از جمله مراکز آموزشی در شهرها هستیم (سرائی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۶۳).

به صورت کلی، وجود نابرابری و عدم تعادل فضایی در ساکنان نواحی مختلف یک شهر، به هیچ وجه پدیده جدیدی نیست، اما در کشورهای در حال توسعه به دلیل فاحش بودن تفاوت‌های اجتماعی-اقتصادی، نابرابری و عدم تعادل در توزیع خدمات شهری تفاوت‌های فضایی شهرها تشدید شده است (عبداللهی و قاسمی، ۱۳۹۷، ص ۶۹۶)، زیرا ساختار فضایی شهر متشکل از اجزا و عناصری است که بایکدیگر در کنش متقابل هستند و ناپایداری هریک از این اجزاء بر کل ساختار تأثیر خواهد گذاشت (عبداللهی و قاسمی، ۱۳۹۷، ص ۶۹۶). این امر در شهرهای کشور ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای در حال توسعه نیز وجود دارد. کشور ایران یکی از کشورهای گسترده به خصوص در چند دهه گذشته با رشد شتابان شهرنشینی تحت تأثیر مهاجرت‌های گسترده از نقاط روستایی، تبدیل نقاط روستایی فراوان به شهر، رشد طبیعی جمعیت و... روبه‌رو بوده است. این مسئله موجب تمرکز بالای جمعیت در این نواحی شده است. به همین روی می‌توان گفت با توجه به این رشد شتابان نظام شهرنشینی به خصوص در دهه‌های اخیر، نابرابری در برخورداری از خدمات و تضاد بین محله‌های شهری یک چالش عمده در

شهرها محسوب می‌شود. بنابراین باید تلاش برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران شهری، در جهت دستیابی گروه‌های مختلف جامعه به فرصت‌های برابر در زمینه دسترسی به خدمات و از بین بردن تضاد در تأمین فرصت‌ها باشد. به همین سبب امروزه بحث از عدالت فضایی در کانون مطالعات شهری کشور قرار دارد. با توجه به این توضیح، هدف از پژوهش حاضر بررسی نحوه توزیع خدمات آموزشی و بهداشتی به‌عنوان دو مورد از مهم‌ترین خدمات شهری در شهر یاسوج و میزان برخورداری از آن‌ها در سطح مناطق و نواحی شهر مختلف است تا از این طریق، میزان نابرابری‌های فضایی در سطح شهر و نواحی آن مشخص شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

ادبیات نظری تحقیق

عدالت یکی از ارکان مهم توسعه پایدار است (فصیحی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۰۷)، که در گذرگاه زندگی بشر، همواره در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... مورد توجه بوده است (محمودی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۵۱۴). عدالت را اساساً می‌توان به‌عنوان اصل یا مجموعه‌ای از اصول در نظر گرفت که به‌منظور حل و فصل دعاوی متضاد به وجود آمده است (پیربابایی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۳۴۸). در قرآن کریم آیات متعددی در مورد این مفهوم بیان شده که نشان‌دهنده اهمیت به کار بستن آن برای سعادت انسان و کاربرد آن در زندگی است. در ادامه به چند مورد از این آیات اشاره شده است؛ ثروت نباید نزد گروه اندکی تجمع یابد و طبقه غنی ایجاد شود (حشر: ۷). خداوند نگهبان عدل و درستی است (آل عمران: ۱۵). خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد (نمل: ۹۰). به مردم فرمان می‌دهد که در برپایی عدالت کوشا باشند (نساء: ۱۳۵). در نظر خداوند عدالت از هر عمل دیگری به تقوا نزدیک‌تر است (مائده: ۴۲). پیامبر مأموریت دارد که به عدالت در میان مردم حکم کند (شوری: ۱۵) (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۳).

عدالت می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد، به گونه‌ای که مفاهیم گوناگونی همچون عدالت اجتماعی، عدالت فضایی، عدالت جغرافیایی، عدالت جبرانی، عدالت محیطی و... را شامل می‌شود (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۴). عدالت اجتماعی مفهومی مدرن است که به تحقق فرصت‌ها و زندگی و شانس برابر اشاره می‌کند (پیربابایی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۳۴۸) و به معنی عدالتی است که همه جامعه از آن برخوردار باشند (روستایی و غلامحسینی، ۱۳۹۳، ص ۴) و به صورت کلی، به مفهوم توزیع عملکردها،

خدمات و امکانات، دسترسی مناسب به مراکز خدمات‌دهی و فعالیتی (مکان تسهیلات)، بدون تبعیض و تفاوت‌گذاری بین ساکنان یک شهر و مناطق شهری اطلاق می‌شود (محمودزاده و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۷۲). چراکه عدم توزیع عادلانه خدمات و امکانات به بحران‌های اجتماعی و مشکلات پیچیده فضایی خواهد انجامید (سرای و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۳۳). به صورت کلی، این مفهوم از اواخر دهه ۱۹۶۰ وارد ادبیات جغرافیایی شد (موحدی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۳۹؛ عنابستانی و حسینی، ۱۳۹۷، ص ۳۱۴)، و آن را برابری تعهدات و مسئولیت‌های مدنی در میان یک جامعه و برابری گستردگی مشکلات در میان گروه‌های مختلف تعریف کرده‌اند (پریزادی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۹۲). با ورود این مفهوم به حوزه جغرافیا، جغرافی‌دانان به پژوهش در زمینه‌های مختلفی چون فقر، نابرابری، نژادپرستی، امید به زندگی، اسکان غیررسمی، زاغه‌نشینی، جرم و جنایت، همچنین برخورداری متعادل شهروندان از امکانات و... تمایل پیدا کرده‌اند (حاتمی‌نژاد و راستی، ۱۳۸۸، ص ۸۴؛ ملک‌شاهی و وکیلی، ۱۳۹۶، ص ۷۲). دیوید هاروی به‌عنوان یک جغرافی‌دان، از متفکرانی است که در بحث عدالت اجتماعی تحقیقات زیادی را ارائه داده است. وی در کتاب *عدالت اجتماعی و شهر*، مفهوم عدالت اجتماعی را در کمک به خیر و صلاح همگانی، ملاک توزیع درآمد در مکان‌ها، تخصیص عادلانه منابع و رفع نیازهای اساسی مردم به کار می‌گیرد (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۳۹۹).

یکی از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین مفاهیم در مطالعات شهری، مفهوم عدالت فضایی است که تعاریف متفاوتی از آن ارائه شده است. عدالت فضایی رویکردی مستقل و متفاوت از دیگر فرم‌های عدالت نیست، بلکه از آنجا که فضا، عنصر مشترک و پیونددهنده تمامی مفاهیم مربوط به عدالت است، عدالت فضایی به مثابه مرکز انواع این مفاهیم عمل می‌کند (کاردوسو^۱، ۲۰۰۷، ص ۳۸۴). برخی عدالت فضایی را فقط دسترسی برابر به تسهیلات عمومی تعریف کرده‌اند و معیار سنجش عدالت هم، میزان فاصله از خدمات بوده است. برخی نیز آن را توزیع یکسان خدمات براساس نیازها، اولویت‌های ساکنان و استانداردهای خدمات‌رسانی تعریف کرده‌اند (لیائو^۲ و همکاران، ۲۰۰۹، ص ۱۳۸). به نظر باس (۱۹۹۸) عدالت فضایی بیانگر رفتار منصفانه و دربرگیرنده همه مردم، بدون توجه به قومیت، رنگ، منشأ، ملیت یا درآمد، در توسعه، اجرا و به کارگیری قواعد محیطی است

1. Cardoso

2. Liao

(باس^۱، ۱۹۹۸، ص ۲۳). برومبرگ (۲۰۰۷) عدالت فضایی را توزیع عادلانه و دموکراتیک منافع و مسئولیت‌های اجتماعی در فضا با مقیاس‌های مختلف می‌داند. این عدالت با توجه به این نکته که فضا به شکل اجتماعی تولید می‌شود و فضای تولیدشده به روابط اجتماعی شکل می‌دهد، به تقویت مفهوم عدالت اجتماعی می‌پردازد (برومبرگ^۲ و همکاران، ۲۰۰۷، ص ۳). به صورت کلی، عدالت فضایی براساس ایده‌ای که از عدالت اجتماعی گرفته شده به این معناست که باید با ساکنان در هر جایی که زندگی می‌کنند، رفتار برابر داشت (تسو^۳ و همکاران، ۲۰۰۵، ص ۴۲۵). به بیانی دیگر، عدالت فضایی توزیع عادلانه و دموکراتیک منافع و مسئولیت‌های اجتماعی در فضا و با مقیاس‌های مختلف است (برومبرگ و همکاران، ۲۰۰۷، ص ۳)، به گونه‌ای که هیچ مکانی نسبت به مکان دیگر از نظر برخورداری از مزیت‌های فضایی، برتری نداشته و اصل دسترسی برابر رعایت شده باشد (امان‌پور و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۴۹۸؛ میره‌ای و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۱۶). چراکه بی عدالتی در برخورداری از مزیت‌های فضایی به شدت بر ساختار و عملکردهای شهری تأثیر می‌گذارد (سرتوما^۴ و مارتلوزو^۵، ۲۰۱۹، ص ۶۰).

عدالت فضایی بر این باور است که فضاهای گوناگون سکونتگاهی پژواک و نمود عینی و فضایی اراده آگاهانه یا ناآگاهانه انسان‌ها، نهادهای مختلف سیاسی و اجتماعی، نظام بوروکراتیک، سیاستگذاری‌های کلان ملی، نظام‌های اجرایی و قانونی، مدیریت محلی و منطقه‌ای است و ساکنان در حالی متأثر از شرایط و محرک‌های گوناگون هستند که خود در به وجود آمدن این شرایط هیچگونه دخالتی نداشته‌اند (حمیدی، ۱۳۹۷، ص ۲۸). به صورت کلی، در عدالت فضایی با دو رویکرد اصلی توزیع فضایی و فرایندهای تصمیم‌سازی روبه‌رو هستیم. رویکرد اول بر پایه پرسش‌هایی درباره توزیع فضایی یا توزیع فضایی-اجتماعی و تلاش به منظور دستیابی به توزیع برابر جغرافیایی براساس نیازها و خواست شهروندان شکل گرفته است؛ مانند دسترسی به خدمات شهری، فرصت‌های شغلی، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، کیفیت هوای خوب و...، اما رویکرد دوم بر فرایندهای تصمیم‌سازی تأکید دارد و بازنمودهای فضایی، مکانی، هویتی و اعمال اجتماعی

1. Bass

2. Bromberg

3. Tsou

4. Certoma

5. Martellozzo

را شامل می‌شود؛ مانند رویکردهای تبعیض آمیز در شکل‌دهی به فضای شهری. به بیان دیگر، عدالت فضایی هم می‌تواند محصول و هم فرایند باشد. عدالت فضایی محصول‌گرا در قالب الگوهای توزیعی که به خودی خود عادلانه / ناعادلانه هستند، در حوزه‌های جغرافیایی معنا می‌یابد. عدالت فضایی فرایندی نیز به‌عنوان فرایندهای شکل‌دهنده به فضا بررسی می‌شود (کنعانپور و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۶۴۰).

خدمات شهری بخشی از خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی است که در چارچوب نظام سلسله‌مراتب مراکز شهری، نیازهای عمومی-اجتماعی را برآورده می‌سازد و در یک واحد نسبتاً مستقل و واحد سیاسی تصمیم‌گیرنده برای رفاه زندگی شهروندان ارائه می‌شود (امانپور و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۴۹۸). کاربری‌ها و خدمات شهری، ازجمله عوامل مؤثر و مفیدند که با پاسخ‌گویی به نیاز جمعیتی، افزایش منفعت عمومی و توجه به استحقاق و شایستگی افراد، می‌توانند با برقراری عادلانه‌تر، ابعاد عدالت فضایی و حتی عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی را برقرار کنند (هاروی^۱، ۱۹۹۶). خدمات عمومی به‌عنوان فعالیت‌های اقتصادی که منفعت عمومی دارد و در ابتکار عمل نهادهای عمومی هستند، تعریف می‌شود. بنیاد نهادن و راه‌انداختن آن‌ها زیرنظر نهادهای عمومی است، اگرچه حمایت و نگهداری از خدمات عمومی برای سرمایه‌گذاری به بخش خصوصی هم واگذار می‌شود (چو^۲، ۲۰۰۳، ص ۴۰). دریافت خدمات عمومی در مقیاس وسیع صورت می‌گیرد و بر زندگی روزانه افراد تأثیر می‌گذارد. این خدمات همگی دارای عملکرد فضایی هستند (ساوز^۳، ۱۹۷۸، ص ۸۰۰). خدمات عمومی باید صرف‌نظر از بُعد مکانی آن، محدودیت‌ها و منابع مالی یا توانایی فیزیکی افراد، به آسانی در دسترس آن‌ها قرار گیرد (کافله^۴، ۲۰۰۶، ص ۲).

عدالت فضایی در توزیع خدمات بهداشتی-درمانی و آموزشی

در سال‌های اخیر توجه به عدالت‌محوری در توزیع خدمات و تسهیلات شهری در شهرهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در حال افزایش است (یو^۵، ۲۰۱۶، ص ۱۷۷؛ یائو^۶ و همکاران،

1. Harvey
2. cho
3. Savas
4. Kaphle
5. You
6. Yao

۲۰۱۴، ص ۱۲۵؛ لی^۱ و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۸۷). به صورت کلی، دستیابی به عدالت فضایی در توزیع خدمات عمومی، و برابری استفاده از ظرفیت های محیطی، یکی از اهداف برنامه ریزان شهری است (تسو و همکاران، ۲۰۰۵، ص ۴۲۴). تالن و انسلین معتقدند که برای تحلیل عدالت فضایی، باید بر مقایسه توزیع مکانی تسهیلات و خدمات عمومی با توزیع مکانی گروه های مختلف اقتصادی-اجتماعی تأکید بیشتری صورت گیرد (تالن^۲ و آنلسین^۳، ۱۹۹۸، ص ۵۹۸). برنامه ریزان باید این مسئله را در نظر بگیرند که چه میزان نابرابری در الگوی مکان یابی خدمات و تسهیلات به وجود آمده و تحت تأثیر آن، چه طبقات و گروه هایی بیشتر محروم شده اند. تا از این طریق، در پی حل این مسئله باشند (هوکو^۴، ۲۰۰۱، ص ۵). در بیانی جامع، عدالت فضایی در شهرها یعنی تدام حفظ منافع گروه های اجتماعی متفاوت براساس گسترش بهینه منابع شهری، درآمدها و هزینه ها (بزی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۳۱)، به گونه ای که مکان زندگی هر فرد (حاصل از تقسیم کار اجتماعی)، موجب محروم شدن او از استحقاق اجتماعی نشود (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۸۱)، و نابرابری های فضایی تنها در صورت ایجاد زمینه برای بهبود حیات همگانی موجه باشد. لذا توجه به اهمیت توزیع کاربری خدمات در نواحی شهری براساس نیاز به خدمات، عاملی مهم در پایداری زندگی شهری است (ساسان پور و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۰۱). لذا با توجه به این مسئله، برنامه ریزان در الگوی مکان یابی خدمات و نحوه توزیع آن ها باید به دنبال این باشند که مقدار نابرابری ایجاد شده چقدر است، و چه گروه هایی از جامعه بیشتر تحت تأثیر قرار گرفته اند. سپس این نابرابری ها را مرتفع و در بین سکونتگاه ها تعادل ایجاد کنند (امانپور و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۴۹۸)، زیرا بهره مندی از زندگی خوب و محیط زندگی مطلوب، حق همه شهروندان است (محمدی ده چشمه، ۱۴۰۰، ص ۲۴۹).

یکی از خدماتی که با زندگی شهری پیوند خورده و با توجه به رشد روزافزون جمعیت شهری، نحوه و تعادل در توزیع آن از اهمیت بسیاری برخوردار است، خدمات بهداشتی-درمانی است. امروزه خدمات بهداشتی و درمانی به عنوان یکی از زیرساخت های شهری در راستای توسعه نواحی مطرح است و هدف از آن بالابردن سطح سلامت و ازدیاد نیروی فعالیت افراد و طولانی تر کردن عمر و بالآخره پیشگیری از بروز و شیوع بیماری ها و

1. Lee
2. Talen
3. Anelsin
4. Hewko

معالجه به موقع آنهاست (زیاری و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۷۴). مکان‌یابی این کاربری باید براساس نیاز سریع مردم انجام پذیرد و با این حال به دور از سر و صدای ناشی از ازدحام جمعیت و ترافیک بوده و دارای هوای پاک و برخوردار از یک‌سری شرایط خاص باشد. بنابراین لازم است در ساخت و مکان‌یابی این گونه مراکز، تمام عوامل مؤثر در محیط مورد مطالعه قرار گیرد. وجود مراکز درمانی از منظر مدیریت شهری و موقعیت مکانی این کاربری در سطح مناطق شهر باید علاوه بر حفظ کارایی آنها، با کاربری‌های همجوار خود نیز تداخلی نداشته باشد تا در شرایط اضطراری و وقوع بحران بتوان به بهترین شکل از حداکثر کارایی آنها استفاده کرد (حاجی مرادی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۱۴۲). به همین روی دسترسی مناسب و مطلوب به این خدمات در سطح نواحی و مناطق مختلف شهری از اهمیت زیادی برخوردار است. دسترسی مطلوب به خدمات بهداشتی و درمانی برای همه نواحی و مناطق، یعنی فراهم کردن خدمات درست، در زمان و مکان درست. لذا از آنجایی که شرایط افراد بر توانایی برخورداری از خدمات بهداشتی-درمانی تأثیر می‌گذارد، باید ترتیبی اتخاذ شود تا تمام سیاست‌های توزیع خدمات برای تمام افراد جامعه، عادلانه باشد. همچنین ارتباط مثبتی بین فراهم بودن خدمات بهداشتی-درمانی و برخورداری از خدمات وجود داشته باشد. بنابراین، سیاست‌های تخصیص منابع بهداشتی-درمانی در دسترسی مصرف‌کنندگان از خدمات و نیز برقراری عدالت در دستیابی به خدمات نقش مثبتی دارد (زیاری و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۷۴).

خدمات و کاربری‌های آموزشی نیز از دیگر خدمات مورد اهمیت و توجه در محیط‌های شهری است، که توزیع بهینه و متعادل آنها نقش مهمی در ایمنی و رفاه شهروندان و به صورت کلی، ارتقای کیفیت زندگی شهری دارد. به دنبال رشد غیرمنطقی شهرها و مطرح شدن نیاز به خدمات عمومی، حاکم شدن اقتصاد بازار و پیروی از اصول اقتصاد نوکلاسیک که در آن رقابت در جست‌وجوی سود بیشتر باعث کاهش سهم کاربری‌های عمومی به‌ویژه کاربری آموزشی و افزایش سهم کاربری‌های مسکونی و سودآور می‌شود، دخالت دولت در برنامه‌ریزی برای گسترش عدالت اجتماعی و دسترسی یکسان و متعادل به خدمات برای همه افراد ضروری است (یزدانی و فیروزی مجنده، ۱۳۹۵، ص ۱۹). در این بین بی‌توجهی به توزیع فضایی مناسب و اصولی مراکز آموزشی موجب کاهش کارایی نظام آموزشی، ایجاد مشکلات برای دانش‌آموزان و تحمیل بار مالی دو چندان برای نظام آموزشی و خانواده‌ها می‌شود (یزدانی و فیروزی مجنده، ۱۳۹۵، ص ۱۹).

عدالت فضایی یکی از موضوع‌های مهمی است که در دهه‌های اخیر و با توجه به اهمیت زیادی که در زندگی بشر یافته، گستردگی بسیاری پیدا کرده است و محققان در زمینه‌های مختلف موضوعی، این مفهوم را مورد توجه قرار داده و از این طریق به بررسی و تحلیل بسیاری از موضوعات در زمینه علوم جغرافیایی و علوم مرتبط پرداخته‌اند. هدف اساسی این مفهوم در برنامه‌ریزی شهری، توزیع فضایی عادلانه خدمات شهری و برخورداری مناسب شهروندان از این خدمات است. براین اساس و با توجه به اهمیت مسئله عدالت فضایی در برخورداری عادلانه از خدمات شهری در سال‌های اخیر پژوهش‌های داخلی و خارجی بسیاری در زمینه مذکور صورت گرفته است که در ادامه به بررسی اجمالی مواردی از آن‌ها پرداخته شده است:

حاجی مرادی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان تحلیل توزیع خدمات درمانی و مکان‌گزینی بهینه بیمارستان در منطقه ۴ کلان‌شهر تهران، با استفاده از نرم‌افزارهایی همچون SPSS، ARC GIS و Matlab و روش‌های متنوع نحوه توزیع فضاهای بهداشتی-درمانی و مکان‌یابی بهینه آن‌ها را در منطقه ۴ شهر تهران مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد، تقاطع اتوبان امام علی^(ع) و اتوبان شهید زین‌الدین مناسب‌ترین منطقه برای احداث بیمارستان است. همچنین در ادامه با استفاده از روش کیو گزاره‌های مرتبط با مطلوبیت مکان‌نمایی استخراج و در نهایت با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی این گزاره‌ها به پنج نگرش دسته‌بندی شدند.

ممبینی‌زاده و بشارتی‌فر (۱۴۰۰) در مقاله‌ای به تحلیل و ارزیابی نابرابری‌های فضایی در برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری در نفت شهر آبادان پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد رابطه مثبت، قوی و معنی‌داری میان توسعه اقتصادی و اجتماعی با توسعه خدمات شهری در شهر آبادان است، به‌طوری که نواحی برنامه‌ریزی‌شده وابسته به صنعت نفت که به‌لحاظ اقتصادی و اجتماعی متری‌تر هستند، وضعیت کالبدی و خدماتی بسیار مطلوب‌تری نسبت به نواحی حاشیه‌ای به ویژه در نواحی شرقی شهر آبادان که هم به‌لحاظ اجتماعی و اقتصادی ضعیف و آسیب‌پذیرند و هم به‌لحاظ توسعه کالبدی کم‌تر مورد توجه مدیریت شهری بوده‌اند، دارند.

احمدی و شمسی‌پور (۱۳۹۹) در پژوهشی توزیع خدمات عمومی را در شهر بجنورد با رویکرد عدالت فضایی بررسی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد شهر بجنورد در زمینه دسترسی به مراکز خدمات عمومی با کمبود مواجه است و در بین محله‌های شهر

نیز از نظر دسترسی به این خدمات نابرابری و بی‌عدالتی وجود دارد. با توجه به پژوهش آن‌ها محله‌های مرکزی دسترسی مطلوب‌تری دارند و هرچه از بخش مرکزی به سمت حاشیه‌های شهر حرکت کنیم به محرومیت محله‌ها افزوده می‌شود.

میرزایی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به سنجش و ارزیابی تحقق‌پذیری فضایی خدمات شهری در مناطق نه گانه شهر شیراز پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد پراکنش فضایی کاربری‌های خدماتی در سطح مناطق شهر شیراز نامناسب و ناعادلانه است و مناطق ۶، ۲ و ۴ بیش‌ترین پایداری محیطی و مناطق ۱، ۷ و ۵ کم‌ترین پایداری را دارند.

سرای و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی توزیع فضایی خدمات آموزشی را در شهر یزد مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد الگوی توزیع فضایی خدمات آموزشی در نواحی هشت گانه شهر یزد تصادفی به سمت خوشه‌ای با تمرکز بالاست. این اتفاق نشان می‌دهد فضاهای با دسترسی بالا در مجاور یکدیگر متمرکز شده‌اند و فضاهای با دسترسی پایین چندان پیوستگی ندارند. نتایج کلی این پژوهش نشان‌دهنده وجود مقداری نابرابری در توزیع مراکز آموزشی است.

نتایج پژوهش زیاری و همکاران (۱۳۹۵) درباره توزیع فضایی خدمات بهداشتی-درمانی در استان خوزستان نشان‌دهنده توزیع نابرابر خدمات بهداشتی-درمانی در این استان است. در بین شهرستان‌های استان نیز شهرستان اهواز و باوی به ترتیب در بالاترین و پایین‌ترین سطح توسعه قرار گرفته‌اند.

یغفوری و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی به تحلیل توزیع فضایی خدمات بهداشتی-درمانی و مکان‌گزینی بهینه آن‌ها با تأکید بر مراکز بیمارستانی شهر جهرم پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد بین مکان کنونی مراکز بیمارستانی شهر جهرم با معیارهای علمی و ضرورت‌های این کاربری مطابقتی وجود ندارد.

اویانگ^۱ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان محرومیت فضایی از خدمات عمومی شهری در مناطق به سرعت در حال مهاجرپذیری شهری چین، به بررسی رضایتمندی از توزیع خدمات مومی بین دو جامعه محلی و مهاجران در حومه شانگهای پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد رابطه معناداری بین شرایط اقتصادی ساکنان و برخورداری از خدمات عمومی شهری برقرار است.

شیائو^۱ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی دسترسی به پارک‌های شهری در شهر شانگهای با رویکرد عدالت اجتماعی پرداختند. هدف آن‌ها در این پژوهش بررسی تناسب جمعیت با توزیع پارک‌های شهری در مناطق حاشیه‌نشین بود. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد گروه‌های آسیب‌پذیر و حاشیه‌نشین برخورداری مناسبی از پارک‌های شهری داشته و به بحث عدالت در برخورداری بین گروه‌های مختلف اجتماعی توجه شده است.

اوگنیمی^۲ و فابی^۳ (۲۰۱۵) در پژوهشی که با هدف بررسی توزیع فضایی مراکز آموزشی پیش‌دبستانی در ناحیه دولت محلی یوآ در جنوب غربی نیجریه انجام گرفته بود، دریافتند این ناحیه از توزیع فضایی متعادلی برخوردار نیست و مراکز آموزشی پیش‌دبستانی به صورت پراکنده توزیع شده‌اند. مسئله‌ای که موجب می‌شود برخی از دانش‌آموزان کیلومترها برای دسترسی به این مراکز، پیاده‌روی کنند. مسئله‌ای که نیاز به سازماندهی دوباره خدمات آموزشی در سطح فضا در این ناحیه را ضروری می‌رساند.

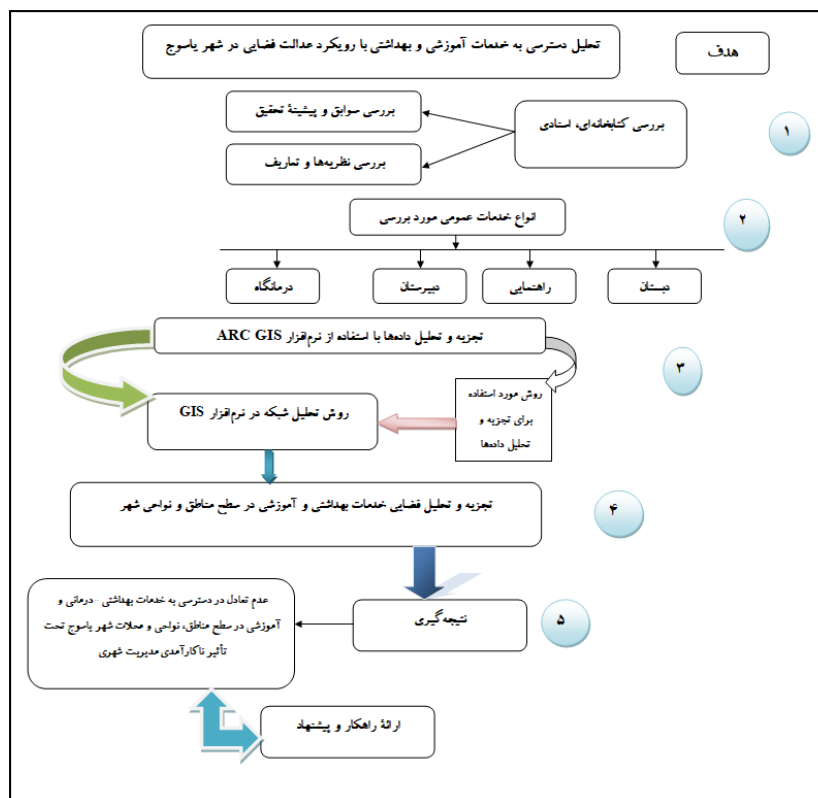
از امتیازات پژوهش حاضر نسبت به دیگر پژوهش‌های مشابه، پرداختن به نحوه توزیع خدمات بهداشتی-درمانی و آموزشی در شهرهایی است که با مدیریت قومی آمیخته هستند و بر مدار قدرت طوایف و نقش پررنگ آن‌ها اداره می‌شوند. مسئله‌ای که نقش مهمی در ضعف تخصص در بدنه مدیریتی شهر و به دنبال آن تقسیم پست‌های مهم شهری دارد. که نتیجه آن ضعف در شناخت و توجه به نیازهای شهروندان و به دنبال آن ضعف در برنامه‌ریزی در زمینه پراکنش متعادل خدمات است. مسئله‌ای که موجب پراکنش غیرمتعادل و غیراصولی این خدمات در شهر و پیامدهای متعاقب آن می‌شود که هزینه‌های مالی، زمانی و... زیادی برای شهروندان به همراه دارد. به همین دلیل پژوهش حاضر اگرچه شاید در کلیت نتیجه و آشکار بودن ضعف در دسترسی متعادل به خدمات بهداشتی-درمانی و آموزشی با دیگر پژوهش‌ها همراه است ولی از آنجا که شهر یاسوج مانند هر شهر دیگری با توجه به مجموعه ویژگی‌های خاص است و با توجه به نقش مدیریت محلی و قومی و قدرت طوایف در مدیریت کلان شهری، پژوهشی کاربردی است و با توجه به این که تا به حال در زمینه خاص عدالت فضایی در دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی-درمانی به صورت مجزا پژوهشی در شهر یاسوج انجام نگرفته است،

1. Xiao

2. ogunyemi

3. fabiyi

پژوهش حاضر پژوهشی نو است که نتایج آن می تواند در آگاهی مدیران شهری از وضعیت توزیع این خدمات و ارائه هرچه بهتر آن ها مفید باشد.



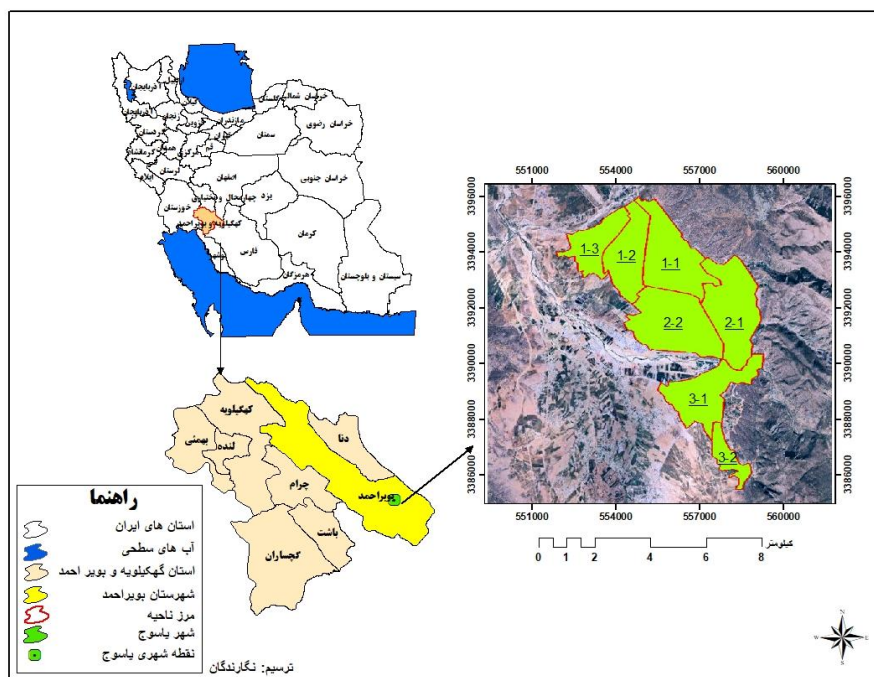
شکل ۱ فرایند تحلیلی تحقیق

روش تحقیق و قلمرو مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه

شهر یاسوج مرکز شهرستان بویراحمد و استان کهگیلویه و بویراحمد و یکی از شهرهای لرنشین کشور است که در جنوب غربی ایران واقع شده است. این شهر در موقعیت جغرافیایی ۳۰ درجه و ۴۰ دقیقه عرض شمالی و ۵۱ درجه و ۳۵ دقیقه طول شرقی، در قسمت برآفتاب سررود در بویراحمد علیا و در نقطه همگرایی رودخانه های بشار و مهران در جنوب و غرب و کوه دنا در موقعیت شمال و شمال شرقی قرار دارد. با توجه به ارتفاع زیاد شهر یاسوج از

سطح دریا و اینکه با میانگین ۸۳۴ میلی‌متری بارش، یکی از پر بارش‌ترین شهرهای حوزه زاگرس است، شرایط مطلوبی در این شهر حاکم شده است که پیامد آن رشد جمعیت و افزایش چشمگیر شهرنشینی بدون برنامه در سال‌های اخیر بوده است. به‌طوری که جمعیت شهر یاسوج از ۹۳۱ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۱۰۸۵۰۴ نفر در سال ۱۳۹۰ و ۱۳۴۵۳۲ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. عدم توجه کافی به مدیریت شهری در کنار عوامل مذکور بر کیفیت زندگی شهروندان و نحوه توزیع خدمات شهری در این شهر تأثیرگذار بوده است. مسئله‌ای که باعث شده است در این پژوهش به این مهم پرداخته شود.



شکل ۲. موقعیت محدوده مورد مطالعه

روش

پژوهش حاضر کاربردی است و در چارچوب روش‌های تحلیلی-کمی قرار دارد. جامعه مورد مطالعه همه مراکز آموزشی و درمانی شهر یاسوج و نحوه توزیع آن‌ها در سطح مناطق و نواحی شهر است. گردآوری داده‌ها با روش‌های اسنادی و پیمایشی صورت گرفته است.

بدین صورت که ابتدا مفاهیم نظری به منظور روشن شدن مسئله موردنظر، به کار گرفته شد و سپس با توجه به موضوع پژوهش، اطلاعات موردنیاز از طریق اسناد و مدارک، نقشه‌ها و آمارهای شهرداری یاسوج جمع‌آوری شد. در ادامه در روش پیمایشی برای نشان دادن نحوه توزیع و پراکنش خدمات آموزشی و درمانی و وضعیت مناطق و نواحی مختلف شهر از نظر دسترسی به این خدمات از تحلیل شبکه در نرم‌افزار Arc GIS استفاده شد؛ به طوری که شعاع عملکردی خدمات آموزشی و بهداشتی و نحوه پراکنش آن‌ها در سطح مناطق و نواحی مختلف شهر مشخص و از این طریق، عدم تعادل‌های فضایی خدمات مذکور در شهر یاسوج مشخص شد. در جدول ۱ استاندارد و ضوابط شعاع عملکردی خدمات آموزشی و بهداشتی-درمانی آورده شده است.

جدول ۱ معیارها و شعاع خدمات‌رسانی		
خدمات	معیار	شعاع خدمات‌رسانی
آموزشی	دبستان	۱۰۰۰.۸۰۰.۵۰۰
	راهنمایی	۱۵۰۰.۱۰۰۰
	دبیرستان	۲۰۰۰.۱۵۰۰
بهداشتی درمانی	درمانگاه	۳۰۰۰.۱۰۰۰.۸۰۰

یافته‌ها

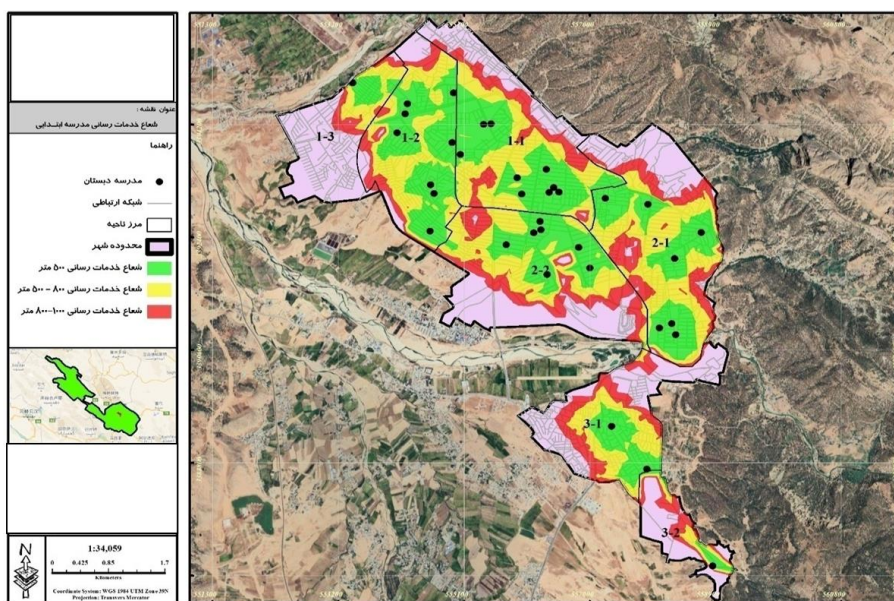
در پژوهش حاضر به منظور بررسی سطح سرویس‌دهی خدماتی مراکز آموزشی و درمانی شهر یاسوج از تحلیل شبکه استفاده شد. بدین صورت که شعاع خدمات‌رسانی هر یک از خدمات آموزشی اعم از دبستان، مدارس راهنمایی و دبیرستان و همچنین خدمات بهداشتی-درمانی با محوریت درمانگاه‌های درون‌شهری در سطح مناطق و نواحی شهر یاسوج مشخص و از این طریق به مقایسه وضعیت دسترسی به خدمات مذکور در سطح مناطق و نواحی مختلف شهر پرداخته شد.

شعاع خدمات‌رسانی مراکز آموزشی

شعاع خدمات‌رسانی دبستان

شعاع خدمات‌رسانی دبستان براساس ضوابط و اطلاعاتی که صورت گرفته است، به ۵۰۰ متر، ۸۰۰ متر و ۱۰۰۰ متر تقسیم‌بندی شده است. همان‌طور که از شکل ۳ قابل مشاهده

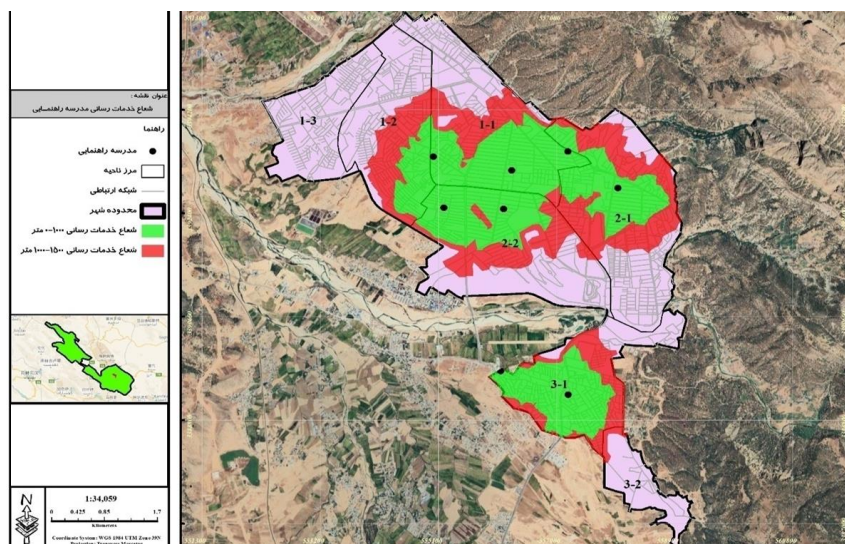
است، این خدمات بیش‌تر در مراکز شهر متمرکز شده و در اطراف شهر دسترسی چندان مناسبی به آن‌ها وجود ندارد. به‌طوری که می‌توان گفت حاشیه‌های شهر به‌خصوص ناحیه ۳ از منطقه ۱ و ناحیه ۲ از منطقه ۳ از نظر دسترسی به این خدمات وضعیت نامناسبی دارند.



شکل ۳ شعاع خدمات‌رسانی مدارس ابتدایی در سطح شهر

شعاع خدمات‌رسانی مدرسه راهنمایی

نتایج نشان‌دهنده تمرکز مدارس راهنمایی در نواحی خاصی از شهر و در مقابل، کمبود این خدمات در نواحی دیگر شهر است (شکل ۴). به‌طوری که نواحی مرکزی شهر که شامل نواحی ۱ از منطقه یک و ۲ از منطقه دو است و همچنین قسمت‌هایی از نواحی ۲ از منطقه یک و ۱ از منطقه دو دسترسی مطلوب‌تری به مدارس راهنمایی دارند. درحالی که دیگر قسمت‌های شهر از جمله ناحیه ۳ از منطقه یک و ناحیه ۲ از منطقه سه از پایین‌ترین سطح دسترسی به مدارس راهنمایی برخوردارند و می‌توان گفت به این خدمات هیچ‌گونه دسترسی ندارند. بنابراین به غیر از قسمت‌های محدودی از شهر که از این خدمات برخوردارند، دیگر نواحی از نظر سطح برخورداری فاصله‌ای ندارند و همگی در سطح کاملاً غیربرخوردار قرار گرفته‌اند.



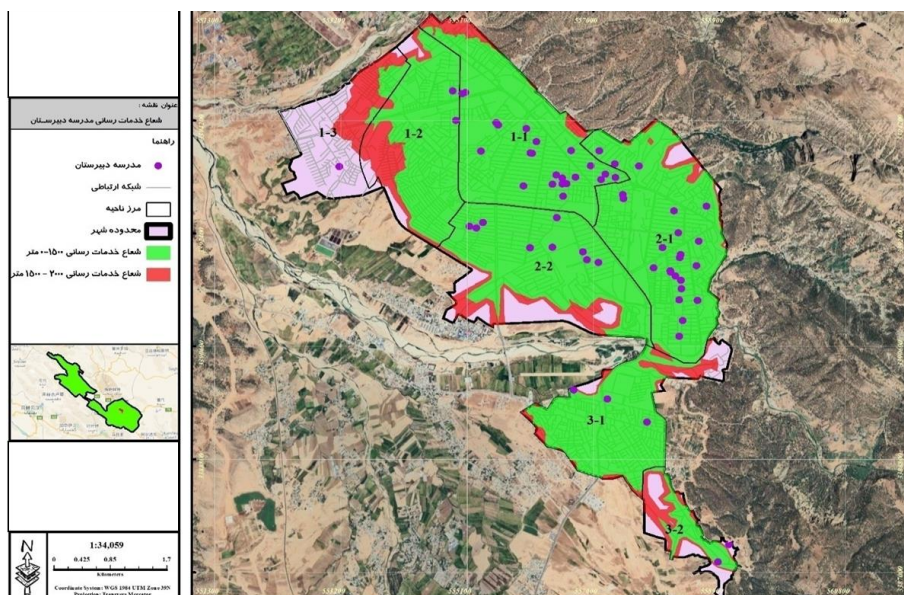
شکل ۴ شعاع خدمات‌رسانی مدرسه راهنمایی در سطح شهر

شعاع خدمات‌رسانی دبیرستان

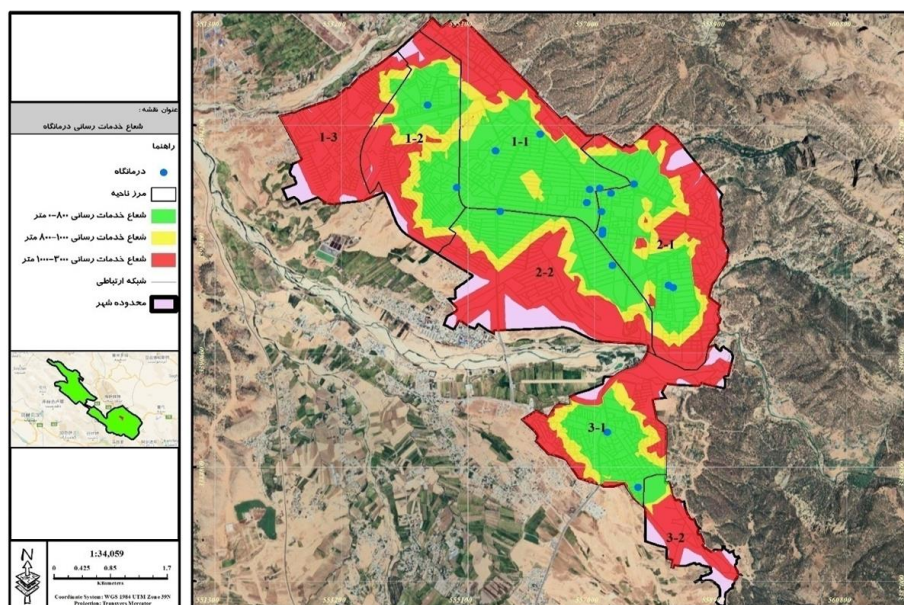
خدمات آموزشی دبیرستان از جمله خدماتی است که تقریباً تمام نواحی شهر را تحت پوشش قرار داده است. به طوری که قسمت‌های عمده‌ای از نواحی ۱ از منطقه یک و ۱ از منطقه دو در سطح دسترسی کاملاً برخوردار قرار گرفته‌اند و ناحیه ۲ از منطقه دو نیز نسبتاً برخوردار است. اما دیگر نواحی شهر از سطح دسترسی ضعیفی برخوردارند؛ به طوری که ناحیه ۳ از منطقه یک و ناحیه ۲ از منطقه سه از نظر دسترسی به این خدمات در سطح نادرست قرار گرفته‌اند و دسترسی مناسبی به این خدمات ندارد. نتایج کلی نشان می‌دهد که این خدمات به طور تقریباً مناسبی توزیع یافته‌اند.

شعاع خدمات‌رسانی مراکز درمانی

بررسی وضعیت خدمات‌رسانی مراکز درمانی (شکل ۶) نشان می‌دهد نواحی مرکزی شهر بهترین دسترسی‌ها را به این خدمات داشته و نواحی حاشیه‌ای شهر از پایین‌ترین سطح دسترسی به آن‌ها برخوردارند. نتایج حاضر بیانگر کمبود این خدمات در سطح شهر به خصوص در نواحی ۳ از منطقه یک، ۲ از منطقه دو و ۲ از منطقه سه و اختلاف بالا در سطح برخوردای میان نواحی شهر است.



شکل ۵ شعاع خدمات رسانی مدرسه دیرستان در سطح شهر



شکل ۶ شعاع خدمت رسانی درمانگاه در سطح شهر

به صورت کلی دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی در شهر یاسوج دارای چشم انداز فضایی یک نواختی نیست و بیانگر وجود نابرابری میان مناطق و نواحی شهر است. به طوری که با توجه به نتایج، مناطق مرکزی شهر دارای دسترسی مطلوبی به این خدمات هستند و نواحی حاشیه‌ای نیز از پایین ترین سطح دسترسی به تسهیلات مذکور برخوردارند. با توجه به یافته‌های تحلیل شبکه با فاصله گرفتن از مرکز شهر از میزان دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی-درمانی کاسته می‌شود و حاشیه‌های شهری کم ترین میزان دسترسی به این خدمات را دارند. با توجه به نتایج، محله‌های واقع در ناحیه ۳ از منطقه یک و ناحیه ۲ از منطقه سه شهر یاسوج، کم ترین میزان دسترسی را به خدمات مذکور دارند. بنابراین براساس نظریه عدالت فضایی و تعادل در دسترسی به خدمات شهری و با توجه به این که این محله‌ها شرایط مطلوبی از نظر دسترسی به خدمات مورد مطالعه ندارند، به خدمات رسانی بیش تری در زمینه‌های مذکور نیاز دارند و باید در توزیع و دسترسی به این خدمات در نواحی و محله‌های اشاره شده توجه بیش تری شود.

سیاست تشکیل استان جدید و مستقل و همچنین اعلام شهر یاسوج به مرکزیت آن در حالی که هیچ گونه برنامه‌ریزی اصولی برای این امر صورت نگرفته بود، باعث شد این شهر در طی دهه‌های بعد از آن تا به امروز با لطمه‌های جبران‌ناپذیری بر ساختار فیزیکی، فرهنگی-اجتماعی، جمعیتی و اصول حکمروایی شهری مطلوب مواجه شود. به گونه‌ای که نبود نظارت و برنامه‌ریزی مناسب باعث شد این شهر با افزایش شتابان جمعیت شهری مواجه شود. این اتفاق و ضعف‌های موجود در بدنه مدیریتی شهر از جمله در زمینه برخورداری از نیروهای متخصص شهری پیامدهای منفی بسیاری داشت. از جمله این پیامدها و مشکلات می‌توان به توسعه فیزیکی ناموزون و پراکنده رویی شهر زیر سایه عدم شناخت کافی مسئولان شهری از این اتفاق و همچنین معضلات و پیامدهای احتمالی پراکنش بی برنامه شهر اشاره کرد. در نتیجه این اتفاق و عوامل مهم دیگری همچون تک هسته‌ای بودن شهر یاسوج و توزیع نامتعادل خدمات شهری و تمرکز آن‌ها عموماً در مناطق مرکزی شهر، انجام طرح‌های شهری توسط افراد غیربومی که شناخت زیادی نسبت به بافت فیزیکی و اجتماعی (قومی) شهر ندارند و در پی آن ضعف این طرح‌ها در مکان‌یابی بهینه خدمات شهری، نقش کم رنگ ساکنان و نیازمندی‌های آن‌ها در توزیع خدمات، تجمع خدمات عمومی در هسته مرکزی شهر که باعث تفاوت در ارزش زمین شهری و جدایی گزینی گروه‌های انسانی شده است و دیگر عوامل، برخی از نواحی و محله‌های شهر

به لحاظ دسترسی به خدمات شهری وضعیت بهتری پیدا کرده و برخی نواحی - به خصوص نواحی حاشیه‌ای که در پی توسعه فیزیکی، الحاق مناطق حاشیه‌ای به شهر و همچنین مهاجرت‌های گسترده شکل گرفته و عموماً دارای جمعیت‌های بالا هستند و فاصله آن‌ها نیز با هسته مرکزی شهر زیاد است - دسترسی مطلوبی به خدمات شهری ندارند. خلاصه مطالب ذکر شده نشان‌دهنده تفاوت در سطح زندگی شهروندی در این شهر است. به صورت کلی، دلایل عادلانه نبودن توزیع خدمات شهری به خصوص خدمات آموزشی و بهداشتی - درمانی را که مورد توجه پژوهش حاضر است می‌توان به صورت زیر بیان کرد؛

تکیه ساختار جمعیتی شهر یا سوج بر ترکیب قومی و طایفه‌ای و نقش و تأثیر آن بر قدرت سیاسی موجود در شهر و تقسیم پست‌های کلیدی و مورد اهمیت شهری، رعایت نشدن اصول شهرسازی و نبود نظم اصولی در طراحی شهری، ساختار تشکیلاتی متمرکز خدمات، عدم تخصص در به کارگیری فضاهای مطلوب برای پراکنش امکانات و خدمات شهری در سایه نبود تخصص، توزیع نامتعادل خدمات شهری و تمرکز آن‌ها عموماً در نواحی مرکزی شهر و همچنین جدایی‌گزینی‌های قومی و جمعیتی، عدم توجه به نیروهای متخصص بومی و انجام طرح‌های شهری توسط افراد غیربومی که شناخت زیادی نسبت به بافت فیزیکی و اجتماعی (قومی) شهر ندارند و به دنبال آن ضعف این طرح‌ها در مکان‌یابی بهینه خدمات شهری، و همچنین اجرایی نبودن این طرح‌ها به دلایلی چون نظام بودجه‌ریزی ضعیف، کارشکنی‌ها، اقتصاد رانته و باندبازی در بدنه مدیریتی شهری و همچنین عدم شناخت و درک کافی مدیران شهری از این طرح‌ها و نحوه اجرای آن‌ها یا اجرای طرح بدون توجه به ماهیت و روند طرح و نیازهای شهروندان که تحت تأثیر روند شهرنشینی و مسائل برآمده از شهرنشینی عقب مانده و با نگرش از بالا به پایین است، و همچنین ضعف در حکمروایی خوب شهری و نقش کم‌رنگ شهروندان در اجرای طرح‌ها و تمرکزگرایی خدمات، که نتیجه آن‌ها ایجاد تفاوت در ارزش زمین شهری، جدایی‌گزینی گروه‌های انسانی، حاشیه‌نشینی، معضلات امنیتی، پایین آمدن کیفیت زندگی در بسیاری از نواحی شهر و به مخاطره افتادن زیست‌پذیری شهری و مواردی از این قبیل است.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه افزایش جمعیت شهری و تشدید شهرنشینی باعث ایجاد دو طبقه مرفه و محروم در

جامعه شهری شده است که این مهم در زیرمجموعه محیط شهری و محله‌بندی آن نمود پیدا می‌کند. یکی از مسائل مهم و مورد توجه در این اتفاق، توزیع بهینه و متعادل خدمات شهری در میان مناطق و محله‌های شهری و دسترسی مطلوب شهروندان به این خدمات است که مسئله عدالت و عدالت فضایی را که به معنی توزیع مناسب خدمات میان ساکنان مختلف یک شهر است، مورد توجه قرار می‌دهد. اهمیت این موضوع تا آنجاست که توزیع نامناسب خدمات باعث از بین رفتن عدالت و افزایش نارضایتی شهروندان از محل سکونت خود و ایجاد دو قطبی‌های گوناگون خواهد شد. به همین دلیل محیط‌های شهری نیازمند برنامه‌ریزی برای تحقق عدالت فضایی و توزیع بهینه خدمات هستند؛ به‌طوری که همه افراد دسترسی مطلوب و یکسانی به خدمات شهری داشته باشند. با توجه به توضیحات صورت گرفته، هدف پژوهش حاضر بررسی نحوه توزیع خدمات آموزشی و بهداشتی-درمانی در شهر یاسوج است، تا از این طریق مشخص شود توزیع این خدمات در سطح مناطق و نواحی شهر چقدر مبتنی بر عدالت بوده است. با توجه به نتایج، نحوه توزیع خدمات بهداشتی و آموزشی در شهر یاسوج بیانگر وجود نابرابری میان مناطق و نواحی شهر در دسترسی به این خدمات می‌باشد. به‌طوری که با توجه به نتایج، مناطق مرکزی شهر دارای دسترسی مطلوبی به این خدمات هستند و نواحی حاشیه‌ای نیز از پایین‌ترین سطح دسترسی به تسهیلات مذکور برخوردارند. با فاصله گرفتن از مرکز شهر از میزان دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی-درمانی کاسته می‌شود و حاشیه‌های شهری کم‌ترین میزان دسترسی به این خدمات را دارند. به‌طوری که در نواحی حاشیه‌ای جنوب شرقی و شمال غربی پایین‌ترین سطح دسترسی‌ها وجود دارد. با توجه به نتایج، محله‌های واقع در ناحیه ۳ از منطقه یک و ناحیه ۲ از منطقه سه شهر یاسوج، کم‌ترین میزان دسترسی را به خدمات مذکور دارند. در حالی که ناحیه ۱ از منطقه ۱ و همچنین نواحی ۱ و ۲ از منطقه ۲ نسبت به دیگر نواحی، از نظر دسترسی به خدمات آموزشی و بهداشتی-درمانی بهترین وضعیت را دارا هستند. پژوهش حاضر با پژوهش‌های بندرآباد و خلیجی (۱۳۹۷)، احمدی و شمسی‌پور (۱۳۹۹)، قربانی و همکاران (۱۳۹۸)، سلمانی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۷)، توکلی و همکاران (۱۳۹۴)، اسماعیل‌زاده و همکاران (۱۳۹۵)، امان‌پور و همکاران (۱۳۹۵)، عبداللّهی و قاسمی (۱۳۹۷)، میرزایی و همکاران (۱۳۹۸)، در زمینه توزیع نامتعادل خدمات شهری همسو است. نتایج پژوهش‌های حاضر نشان می‌دهد خدمات شهری عموماً در مناطق مرکزی شهر متمرکز شده و با فاصله گرفتن از بخش مرکزی از دسترسی مطلوب و مناسب

به خدمات کاسته می شود که نشان دهنده تک هسته ای بودن بسیاری از شهرهای کشور در توزیع خدمات و عدم تعادل و همگنی و همچنین عدم توزیع خدمات متناسب با نیازهای جمعیتی مناطق و نواحی شهری است.

با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهادهایی به منظور بهبود خدمات رسانی در شهر یاسوج و در سطح مناطق و نواحی مختلف آن و همچنین دسترسی مطلوب تر شهروندان به این خدمات ارائه می شود:

- توزیع خدمات در شهر یاسوج به صورت همگون و متوازن صورت پذیرفته است. اکثر مناطق و نواحی شهر از نظر خدمات رسانی با محدودیت های عمده ای روبه رو بوده و نیازمند توسعه این سطح از خدمات شهری هستند؛
- ایجاد سازوکارهای لازم جهت رفع بی عدالتی ها در سطح مناطق و نواحی شهر از طریق شناخت مناطق دارای کمبود یا تمرکز بالا در شهر یاسوج و تناسب برنامه ریزی های آتی با نحوه تمرکز خدمات؛
- بازتوزیع خدمات آموزشی و بهداشتی-درمانی در مناطقی که فاقد این امکانات هستند یا در دریافت آن ها با کمبود مواجه هستند؛
- توزیع خدمات آموزشی و بهداشتی-درمانی با توجه به توزیع جمعیت مناطق و نواحی شهر و همچنین سطح نیازمندی حال و آینده این جمعیت به گونه ای که بین سطح برخورداری و نیازمندی ساکنان تناسب ایجاد شود؛
- رهایی از تمرکززدایی خدمات در هسته مرکزی شهر و نواحی منتهی به آن؛ چراکه این مسئله موجب ایجاد جاذبه تک هسته ای در شهر و به دنبال آن شکل گیری تضادهای طبقاتی در میان مناطق و نواحی شهر می شود؛
- تطابق طرح های توسعه آتی شهر با اسناد فرادست نظیر آمایش سرزمین؛
- مشارکت با ساکنان در هنگام تهیه طرح های توسعه شهر.

منابع

- احمدی، م.، و شمسی پور، ع.ا. (۱۳۹۹). تحلیل توزیع خدمات عمومی با رویکرد عدالت فضایی (مطالعه موردی: شهر بجنورد). *پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری*، ۸(۱)، ۷۳-۹۸.
- اسماعیل زاده، ح.، کرباسی، پ.، روی دل، ج.، افضلی، م.، و افضلی، ز. (۱۳۹۵). تحلیل فضایی پراکنش جمعیت و خدمات شهری از منظر عدالت اجتماعی با استفاده از روش ترکیبی (مطالعه موردی: شهر بناب). *پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری*، ۴(۲)، ۲۴۱-۲۶۰.

- امان پور، س.، ملکی، س.، و حسینی، ن. ا. (۱۳۹۵). تحلیلی بر توزیع خدمات شهری در کلان‌شهر اهواز از منظر عدالت فضایی. *پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری*، ۷(۲)، ۹۹-۱۱۲.
- بزی، خ.، صیادسالار، ی.، معماری، ا. (۱۳۹۸). مانیتورینگ و ردیابی نابرابری خدمات و امکانات درون‌شهری با رویکرد عدالت فضایی (مطالعه موردی: شهر گرگان). *جغرافیای اجتماعی شهری*، ۶(۱)، ۲۹-۴۲.
- پریزادی، ط.، حسینی، ف.، و بهبودی‌مقدم، ح. (۱۳۹۴). تحلیل نابرابری‌های فضایی توزیع خدمات شهری از منظر عدالت فضایی (مطالعه موردی: شهر مریوان). *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، ۶(۲۱)، ۹۱-۱۰۲.
- پیربابایی، م. ت.، هاشم‌پور، پ.، و زاده‌باقری، پ. (۱۳۹۸). تبیین عدالت فضایی از منظر تمهید خدمات سلامت در فضاها و کاربری‌های شهری برای قشر سالمند (مورد پژوهی: منطقه ۱۵ تهران). *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۱۲(۱)، ۳۶۲-۳۴۵.
- تقوایی، ع. ا.، بمانیان، م. ر.، پورجعفر، م. ر.، و بهرام‌پور، م. (۱۳۹۴). میزان‌سنجی عدالت فضایی در چارچوب نظریه شهر عدالت‌محور؛ مورد پژوهشی: مناطق ۲۲ شهرداری تهران. *مدیریت شهری*، ۳۸، ۴۲۳-۳۹۱.
- حاتمی‌نژاد، ح.، و راستی، ع. (۱۳۸۸). عدالت اجتماعی و عدالت فضایی (منطقه‌ای) «بررسی و مقایسه نظریات جان رالز و دیوید هاروی». *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ۲۷، ۸۲-۹۵.
- حاتمی‌نژاد، ح.، کلاتری خلیل‌آباد، ح.، علیخانی، ه.، ترشیزی، م.، و باجلال، ر. (۱۳۹۹). تحلیل عدالت اجتماعی با تأکید بر توزیع فضایی کاربری‌های شهری و میزان رضایت شهروندان در منطقه یک کلان‌شهر مشهد. *مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری*، ۳(۱)، ۱-۱۴.
- حاتمی‌نژاد، ح.، منوچهری‌میان‌دوآب، ا.، بهارلو، ا.، ابرهیم‌پور، ا.، و حاتمی‌نژاد، ح. (۱۳۹۱). شهر و عدالت اجتماعی: تحلیلی بر نابرابری محله‌ای (مطالعه موردی: محله‌های قدیمی شهر میاندوآب). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۱۰، ۴۱-۶۳.
- حاجی‌مرادی، گ.، رجب‌پور، آ.، و سهامی، ح. ا. (۱۴۰۱). تحلیل توزیع خدمات درمانی و مکان‌گزینی بهینه بیمارستان در منطقه ۴ کلان‌شهر تهران. *جغرافیا و توسعه*، ۲۰(۶۸)، ۱۳۸-۱۶۲.
- حمیدی، ا. (۱۳۹۷). *تحلیل رابطه ظرفیت نهادی و ظرفیت اجتماعی با عدالت فضایی در ارائه خدمات شهری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت شهری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- رجبی، س.، ولیزاده، ر.، ستارزاده، د.، پناهی، ع.، و محبوبی، ق. (۱۴۰۰). تحلیل پراکنش فضایی خدمات عمومی شهری از دیدگاه عدالت اجتماعی در ساختار فضایی کلان‌شهر تبریز. *نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۵(۷۸)، ۱۷۷-۱۵۹.
- روستایی، ش.، و غلامحسینی، ر. (۱۳۹۳). بررسی توزیع خدمات شهری در فضاها شهری با رویکرد عدالت فضایی. *هفتمین کنگره ژئوپلتیک ایران (جغرافیای سیاسی شهر)*. دانشگاه خوارزمی.
- زیاری، ک. ا.، صفایی‌رینه، م.، و آروین، م. (۱۳۹۵). ارزیابی توزیع فضایی خدمات بهداشتی-درمانی و ارائه الگوی توزیع بهینه (مورد شناسی: استان خوزستان). *جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای*، ۶(۱۹)، ۷۱-۹۰.
- ساسان‌پور، ف.، مصطفوی، س. و احمدی، م. (۱۳۹۴). تحلیل نابرابری‌های فضایی در برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری (مطالعه موردی: نواحی ۲۲ گانه شهر سنج). *نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۶(۲۳)، ۹۵-۱۱۴.

- سرای، م. ح.، دستا، ف.، و حاضری، م. (۱۳۹۵). تحلیل توزیع فضایی خدمات آموزشی سطح شهر یزد. *تحقیقات جغرافیایی*، ۳۱ (۲)، ۶۲-۷۶.
- سرای، م. ح.، غفاریان، ح. ر.، و دستا، ف. (۱۴۰۰). تحلیلی بر توزیع فضایی خدمات ورزشی در محلات شهر اصفهان. *جغرافیای اجتماعی شهری*، ۸ (۱)، ۱۲۹-۱۵۱.
- سلیمانی، ع. ر.، آفتاب، ا.، و شیخ احمدی، ا. (۱۳۹۵). بررسی، تحلیل و رتبه بندی سطوح برخورداری محلات بافت فرسوده شهر ارومیه. *مطالعات مدیریت شهری*، ۸ (۲۵)، ۷۹-۹۰.
- صالح پور، ش.، و افراخته، ح. (۱۳۹۵). تحلیل سطح توسعه خدمات بهداشتی-درمانی از منظر عدالت فضایی (مطالعه موردی: سکونتگاه های روستایی استان آذربایجان غربی). *مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی*، ۱۱ (۳۶)، ۱۹-۳۸.
- عبداللهی، ع. ا.، و قاسمی، م. (۱۳۹۷). تحلیل توزیع فضایی خدمات عمومی شهری با استفاده از تکنیک های تصمیم گیری Vikor و WasPas (مطالعه موردی: کرمان). *پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری*، ۶ (۴)، ۶۹۵-۷۱۵.
- عزیزی دانالو، س.، و مجتبی زاده خانقاهی، ح. (۱۳۹۹). ارائه مدل توزیع عادلانه خدمات شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی (مطالعه موردی: منطقه ۱۱ شهر تهران). *شهر پایدار*، ۳ (۴)، ۷۵-۹۰.
- عنابستانی، ع. ا.، و حسینی، م. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی سطح امنیت در پارک های شهری از منظر عدالت فضایی (مطالعه موردی: پارک های شهری مشهد). *پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری*، ۶ (۲)، ۳۰۷-۳۳۰.
- فصیحی، ح. ا.، شمعی، ع.، و آذرخش، ف. (۱۳۹۹). تحلیل دسترسی به بوستان های شهری با رویکرد عدالت فضایی (نمونه موردی: شهر ایلام). *برنامه ریزی فضایی*، ۱۰ (۲)، ۱۰۵-۱۱۸.
- کنعانپور، ع.، معصومی، م. ت.، و نظم فر، ح. (۱۴۰۰). واکاوی عدالت فضایی در تخصیص کاربری های اراضی شهری (مطالعه موردی: مناطق پنج گانه شهر اردبیل). *پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری*، ۹ (۳)، ۶۳۷-۶۶۲.
- محمودی ده چشمه، پ. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر شاخص های فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی، کیفیت زندگی بر میزان رضایت شهروندان شهر کرد. *جغرافیا و برنامه ریزی*، ۲۵ (۷۶)، ۲۴۹-۲۵۹.
- محمودزاده، ح.، صمدی، م.، و هریسچیان، م. (۱۳۹۹). بررسی تناسب زیرساخت سبز شهری با رویکرد عدالت فضایی با استفاده از متریک های سیمای سرزمین و تحلیل شبکه فازی (مطالعه موردی: کلان شهر تبریز). *پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری*، ۸ (۲)، ۲۹۹-۳۲۵.
- محمودی، س.، جلوخانی نیارکی، م. ر.، و ارگانی، م. (۱۳۹۹). ارزیابی دسترسی به پارک های شهری به کمک شاخص های مکانی برای رسیدن به آرمان های شهر عدالت محور (مطالعه موردی: منطقه ۱۱ شهر تهران). *پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری*، ۸ (۳)، ۵۱۱-۵۳۰.
- ملکشاهی، غ. ر.، و وکیلی، ص. (۱۳۹۶). بررسی توزیع خدمات عمومی براساس عدالت اجتماعی با استفاده از مدل یکپارچه دسترسی مطالعه موردی: سقز. *مطالعات ساختار و کارکرد شهری*، ۴ (۱۳)، ۷۰-۸۵.
- ممبینی زاده، خ.، و بشارتی فر، ص. (۱۴۰۰). تحلیلی بر نابرابری های فضایی در برخورداری از کاربری های خدمات شهری در نفت شهر آبادان. *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۲۱ (۶۱)، ۱۵۳-۱۷۶.

موحدی‌نیا، م.، خدابخشی، م. ر.، و محمدی‌زاده، ن. (۱۳۹۹). سنجش توزیع فضایی خدمات عمومی شهر کرمان با تأکید بر حکمروایی خوب شهری با استفاده از نرم‌افزار Geoda. *جغرافیای اجتماعی شهری*، ۱۷(۱)، ۲۳۳-۲۵۳.

میرزایی، ج.، پیوسته‌گر، ی.، و کلاتری خلیل‌آباد، ح. (۱۳۹۸). سنجش و ارزیابی تحقق‌پذیری فضایی خدمات شهری (مطالعه موردی: مناطق نه‌گانه شهر شیراز). *جغرافیای اجتماعی شهری*، ۶(۲)، ۱۴۵-۱۶۷. میره‌ای، م.، حسینی، ع.، خدادادی، ع.، و عزیزی‌فرد، ع. (۱۳۹۷). تحلیلی بر نابرابری‌های فضایی توسعه ناحیه‌ای در ایران با رویکرد عدالت فضایی (نمونه مطالعاتی: استان اصفهان). *مطالعات عمران شهری*، ۲(۶)، ۱۱۳-۱۲۷.

یزدانی، م. ح.، و فیروزی مجنده، ا. (۱۳۹۵). سنجش عدالت فضایی در توزیع مکانی کاربری‌های آموزشی شهر اردبیل. *برنامه‌ریزی فضایی*، ۶(۳)، ۱۷-۳۶.

یغفوری، ح.، فتوحی، ص.، و بهشتی‌فر، ج. (۱۳۹۴). تحلیل توزیع فضایی-مکانی خدمات بهداشتی-درمانی و مکان‌گزینی بهینه آن (نمونه موردی: مراکز بیمارستانی شهر جهرم). *جغرافیا و توسعه*، ۱۳(۳۸)، ۱۳-۳۰.

- Bass, R. (1998). Evaluating environmental justice under the National Environmental Policy Act. *Environmental Impact Assessment Review*, 18, 83-92.
- Bromberg, A., Morrow, G., & Pfeiffer, D. (2007). *Editorial Note: Why Spatial Justice?* Critical Planning.
- Cardoso, R. (2007). Social Justice as a Guide to Planning Theory and Practice: Analyzing the Portuguese Planning System, *International Journal of Urban and Regional. Researge*, 31(2), 384-400.
- Certoma, C., & Martellozzo, F. (2019). Cultivating urban justice? A spatial exploration of urban gardening crossing spatial and environmental injustice conditions. *Applied Geography*, 106, 60-70.
- Cho, C.M. (2003). Study on effects of resident-perceived neighborhood boundaries on public services: Accessibility & its relation to utilization: Using Geographic Information System focusing on the case of public parks in Austin. Texas A & M University, Texas.
- Fabiya, O. O., & Ogunyemi, S. A. (2015). Spatial Distribution and Accessibility to Post Primary Educational Institution in Ogun State, Southwestern Nigeria: Case Study of Yewa South Local Government Area, Nigeria. *Journal of Scientific Research and Reports*, 5(7), 542-552, Article no. JSRR.2015.121.
- Hewko, J. N. (2001). *Spatial Equity in the Urban Environment: Assessing Neighbourhood Accessibility to Public Amenities*. University of Alberta.
- Kaphle, I. (2006). *Evaluating people's accessibility to public parks using Geographic Information Systems: A case study in Ames. Iowa*. Iowa State University.
- Lee, G., & Hong, I. (2013). Measuring Spatial Accessibility in the Context of Spatial Disparity between Demand and Supply of Urban Park Service. *Landscape and Urban Planning*, 119, 85-90.
- Liao, Ch.- H., Chang, H.- Sh., & Ko-Wan, T. (2009). Explore the spatial equity of urban public facility allocation based on sustainable development, Real Corp, [http://www.corp.at/\(22-25 April 2009\)](http://www.corp.at/(22-25 April 2009)).
- Ouyang, O., Wang, B., Tian, L., & Tian, X. (2017). Spatial deprivation of urban public services in migrant enclaves under the context of a rapidly urbanizing China: An evaluation based on suburban Shanghai. *Cities*, 60, Part B, 436-445.

- Savas, E.S. (1978). On Equity in Providing Public Services. *Management Science*, 24(8), 800-808.
- Talen, E. (1998). Visualizing Fairness: Equity Maps for planners. *Journal of the American planning Association*, 64(1), 22-36.
- Talen, E., & Anselin, L. (1998). Assessing Spatial Equity: An Evaluation of Measures of Accessibility to Public Playgrounds. *Environment and Planning A*, 30(3), 595-633
- Tsou, k. W., Hung, Y. T., & Chang, Y. L. (2005). An accessibility-based integrated measure of relative Spatial equity in urban public facilities. *Citis*, 22(6), 424-435.
- Xiao, Y., Wang, Z., Li, Z., Tang, Z (2017). An assessment of urban park access in Shanghai– Implications for the social equity in urban China. *Landscape and Urban Planning*, 157, 383–393.
- Yao, L., Liu, J., Wang, R., Yin, K., & Han, B. (2014). Effective Green Equivalent: A Measure of Public Green Spaces for Cities. *Ecological Indicators*, 47, 123-127.
- You, H. (2016). Characterizing the Inequalities in Urban Public Green Space Provision in Shenzhen, China. *Habitat International*, 56, 176-180.